خبر

دو بازی ایرانی نامزد یک جایزه معتبر شد

با اعلام اسامی فینالیست‌های بخش‌های مختلف فستیوال MENA Games Industry Awards ۲۰۲۴، دو بازی «امپراتورهای قلابی» از استودیو «پرشالند» و «پسرخوانده» از استودیو «پاییزان» نامزد دریافت جایزه از این فستیوال شدند. بازی پسرخوانده از تولیدات استودیو پاییزان در بخش «بومی‌سازی» نامزد دریافت جایزه شده است. نکته جالب و هیجان‌انگیز این‌که بازی پسرخوانده در این بخش باید با بازی مطرح Assassin's Creed Mirage از تولیدات یوبیسافت، برای کسب جایزه نخست این بخش رقابت کند. در این بخش جایزه به استودیوهایی اعطا می‌شود که سال گذشته بازی‌هایی را در زمینه‌های بومی‌سازی پشتیبانی کرده است. همچنین تضمین می‌کنند که هم نسخه‌های جدید و هم به‌روزرسانی‌های جدید با کمترین مشکلات ممکن منتشر شود و به‌طور مناسب برای بازارهای هدف MENA بومی‌سازی شود. اما دیگر بازی ایرانی کاندید دریافت جایزه از این فستیوال یعنی امپراتورهای قلابی، ساخته مهرداد رضایی در استودیو پرشالند، در بخش مهم «بازی سال منا» نامزد دریافت جایزه شده است. رقابت در این بخش نیز با توجه به دیگر بازی‌های نامزد دریافت جایزه، بسیار سخت و تنگاتنگ خواهد بود. جایزه این بخش براساس خلاقیت، مکانیک بازی، دستاوردهای فنی، هنری و شنیداری، نوآوری، درگیر شدن با مخاطب و موفقیت‌های انتقادی و تجاری به بازی برگزیده اعطا می‌شود.

شهادت علی اکبر شیرودی در آسمان غرب

بعضی دوستان در این ساختارها، چگونه ممکن است آثار معدودی درباره عملیات‌ها و شخصیت‌های بزرگش ساخته باشند؟ البته متوجه هستیم که دلیلش محدودیت‌ها و اقتضائات اداره این نهادهاست، اما واقعیت آن است که خیلی از این مسائل خارج از قواعد سینماوناشی از رفتارهای غیرکارشناسانه با موضوع سینماست. گاهی اوقات این نظرات حتی می‌تواند موضوع دراماتیک فیلم‌ها را زیر سؤال ببرد. به عنوان مثال، ما در فیلمنامه شخصیتی را که قرار بود بخشی از بار ضدقهرمان را به دوش بکشد حذف کردیم. درحالی‌که همین تقابل بین قهرمان و ضدقهرمان است که درام را می‌آفریند و ما ناگهان با حذف ضدقهرمان قصه، مجبور بودیم طور دیگری وارد قصه شویم. درنهایت، این اعمال نظرها باعث شد که در فیلمنامه ضدقهرمانی داشته باشیم که در فیلم حضور ندارد. در آسمان غرب بارها به ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان ضدقهرمان اشاره می‌شود، ولی در قصه حضور ندارد. همین موضوع، نشان‌دادن تمرد قهرمانی شهید علی‌اکبر شیرودی را سخت کرد و متأسفانه باعث شد طراحی شخصیت قصه به‌گونه‌ای دیگر شکل بگیرد. این درحالی است که قصه ما براساس گفت‌وگو با همرزمان شهید شیرودی در تاریخ هم وجود داشت. البته یکی دو نفر می‌گویند که این‌گونه نبوده، اما فکر می‌کنم این دو عزیز تا حدی دچار شبهه هستند.

؟ یکی از نقدهایی که در زمان جشنواره به فیلم شد این بود که آسمان غرب وارد ابعاد شخصیتی شهید شیرودی نشده است. از طرف دیگر بعضی ارزیابی مثبتی از شخصیت‌پردازی داشتند. آیا از ابتدا متن به این شکل نوشته شده بود و چرا سراغ ساخت پرتره‌ای از شخصیت این شهید نرفتید و تنها به گوشه‌ای از مجموعه رشادت‌های او اشاره شد؟

طرح اولیه قصه ما از ابتدا مبنی بر آن بود که وقایع سه روز اول جنگ را در غرب کشور و محور قصرشیرین بررسی کند و همچنین نقش هوانیروز را در این مقابله و رویارویی با لشکر دشمن نشان دهد. قهرمان این داستان هم شهید علی‌اکبر شیرودی است. بنابراین، قرار نبود زندگی‌نامه شهید شیرودی را بسازیم. نظر شخصیم این است که تصویرکردن زندگی‌نامه هر شخصی به بیراهه‌رفتن است؛ چون فیلم سینمایی بازه زمانی مشخصی دارد و نمی‌شود با تمام مقاطع سنی او به درستی ارتباط برقرار کرد.

درست‌ترین شیوه اجرا در مواجهه با این شخصیت‌های بزرگ، نمایش مقطعی از زندگی‌شان است که بار دراماتیک دارد؛ این مقطع ممکن است یک ساعت یا ۱۰ روز باشد. من این مقطع تاریخی را برای آسمان غرب در نظر گرفتم. متأسفانه دوستان عادت کرده‌اند که اگر شخصی قهرمان قصه است، باید تمام و کمال باشد و از ابتدا تا شهادت به آن بپردازیم. این نوع پرداختن برای سریال است، نه فیلم سینمایی.

؟ ما سه شهید نامدار در این اثر داریم؛ شهیدان شیرودی، ادبیان و همدانی و چرا فیلم به شخصیت هیچ‌کدام نزدیک نمی‌شود؟ بالاخره وقتی از رشادت‌های شیرودی و همرزمانش صحبت می‌شود، باید حتی اندکی هم که شده با آنها آشنا شویم، اما این اتفاق نمی‌افتد.

معتقدم به اندازه شخصیت اصلی و قهرمان قصه، به دو شهید بزرگوار دیگر نیز پرداخته شده است. مطمئنم اگر بیش از این اشاره می‌شد، به بیراهه می‌رفتیم. درواقع، فیلم به‌گونه‌ای پیش می‌رفت که مخاطب از خود می‌پرسید اگر قهرمان قصه شیرودی است، پس چرا ناگهان به شهید همدانی و ادبیان پرداخته‌ایم؟ به نظرم ما به اندازه کافی به آنها تحت عنوان نیروهای کمک‌کننده قهرمان، نزدیک شده‌ایم. به قدری شخصیت آن دو عزیز بزرگوار درخشان و پیچیده است که حتی می‌توان یک سریال درباره آنها ساخت، اما با توجه به مسیر حرکتی فیلم همین قدر باید به آنها پرداخته می‌شد.

پرداختن بیش از حد به یک شخصیت مکمل، می‌تواند قهرمان اصلی قصه را زیر سؤال ببرد. من به اندازه‌ای که ممکن بود، این کار را انجام دادم. از سوی دیگر، پیش از این‌که به شخصیت و خلقیات روحی و روانی آن بزرگواران نزدیک شوم، هدفم پرداختن به حماسه‌ای بود که عزیزان بزرگوار ما در آن روزها رقم زدند و فکر می‌کنم این خیلی درخشان‌تر است. شاید در فیلمنامه دیگری بتوان ساده‌تر به پیچیدگی‌های درونی شخصیت پرداخت و جزئیات را بررسی کرد و مخاطب هم با آن ارتباط برقرار کند. مدل فیلمنامه آسمان غرب به گونه‌ای نبود که ذهن را درگیر شخصیت کند، بلکه بیشتر تصویرکردن آن بازه تاریخی و انتقال تصویر درست حماسه به مخاطب مدنظر بود.

؟ چرا به سراغ بازیگران چهره برای این سه نقش رفتید، در صورتی‌که شاید بازیگر کمتر شناخته شده تأثیر بیشتری می‌گذاشت؟ (البته نقش‌های مکمل نظیر آرمین رحیمیان و امیرحسین آرمان بسیار خوب ظاهر شدند اما به ادعای بسیاری از منتقدان میلاد کی‌مرام همان بازی همیشگی را داشت) گریم این سه نفر چقدر به چهره واقعی شهیدان نزدیک بود؟

من در فیلم «اتاقک گلی» از تورج الوند که بازیگر غیرچهره و شناخته‌نشده‌ای بود، استفاده کردم و او را هم برای کار رضا میرکریمی پیشنهاد دادم یا فیلم‌هایی که با آقای مجیدی توفیق همکاری داشتم نیز به همین شکل بود. این نوعی از کار است که گاهی اوقات نتیجه می‌دهد و گاهی نمی‌دهد. گاهی یک بازیگر شناخته شده می‌تواند نقشی را که برای مخاطب پیشینه تاریخی دارد، به درستی بازی کند. به نظرم میلاد کی‌مرام تمام تلاشش را برای ایفای این نقش انجام داد و در حقش بی‌معرفتی کردند و در آرای هیأت داوران کج‌سلیقگی شکل گرفت. از نظرم تلاش میلاد کی‌مرام ستودنی است. ممکن است کارگردان دیگری در مواجهه با این فیلمنامه از بازیگر شناخته‌نشده‌ای استفاده کند اما ترجیحم این بود که می‌خواستم بازیگرهای شناخته شده این نقش‌ها را بازی کند.

؟ بعضی معتقدند فیلم در نیمه اول از دیالوگ‌های شعاری و تأکید زیاد بر کلمه «مردم» ضربه خورده؛ به‌گونه‌ای که این شائبه را ایجاد می‌کند با توجه به مشارکت ارتش در فیلم انگار همین یک فیلم وقت این را داشته تا همه این حرف‌ها را بگوید. چرا این اتفاق افتاده و این‌که آیا این موضوع متأثر از ورود ارتش است؟

به مخاطبانی که «آسمان غرب» را در جشنواه فجر ۴۲ دیدند، پیشنهاد می‌دهم که حتما فیلم را دوباره در نمایش عمومی ببینند، چون مجدد تدوین شده و اتفاقات خوشایندتری در فیلم برایش رخ داده است و معتقد به دوپاره بودن فیلم نیستم اما طبعا همان‌طور که توضیح دادم، به‌دلیل اعمال بعضی نظرهای غیرسینمایی که در مسیر نگارش فیلمنامه به آن برخوردیم و همچنین حذف ضدقهرمان فیلم، مجبور بودیم که از راه‌های دیگر خلأهای خلق شخصیت را پر کنیم تا شخصیت طراحی شده فیلم ما الکن نباشد. شاید بخشی از دیالوگ‌های گفته شده تاریخی نباشد و برای جلب نظرات مختلف خلق نویسنده بوده که این حس را در شما ایجاد کرده است. طبعا فیلمنامه باید نظر بنیاد سینمایی فارابی، سازمان سینمایی سوره و کارشناسان ارتش را به خود جذب می‌کرد. امیدوارم همیشه در این مسیر به هنرمندان اعتماد شود. شاید اگر زمانی را که روی ۱۲ بار بازنویسی فیلمنامه برای جلب نظر و راضی کردن بعضی از کارشناسان داخلی ارتش گذاشتیم، صرف ارتقای کیفی فیلم در جنبه‌های هنری می‌کردیم، نتیجه کار بسیار درخشان‌تر می‌شد. نمی‌خواهم بگویم موضوعات نظامی مهم نیست ولی ورود بیش از حد در دیالوگ‌نویسی، شخصیت‌پردازی و درام برایم به‌عنوان نویسنده بسیار رنج‌آور بود. امیدوارم ورودهای غیرسینمایی و بروکراسی‌های اداری در مسیر نویسندگان و کارگردانان هموارتر شود و عزیزان نیز مقداری هنری‌تر با موضوع سینما مواجه شوند. چون در نهایت همه ما دلسوز وطن هستیم و دغدغه بازنمایی تصویر قهرمانان غیورملی و دینی خود را داریم و باید در این مسیر همدل‌تر باشیم.

> **برای پرداختن به قهرمانان، این کمترین چیزی است که می‌تواند رخ دهد؛ به‌طور مسلم ساخت فیلم جنگی با پروداکشن بزرگ نیازمند صرف هزینه است**

؟ خلاف اکثر آثار در گونه دفاع مقدس که با نمایش شهادت تمام می‌شود، پایان اثر قبل از شهادت شیرودی بود که موجب شد مخاطبان، قهرمان‌شان را زنده ببینند و بدون بهره‌مندی از ترحم و خرید احساس با اثر همراه شوند. چند پایان برای اثر در نظر گرفته بودید و چرا این پایان انتخاب شد؟

تمام تلاشم نمایش فتح، پیروزی و نشان دادن دلاوری یک قهرمان بود. در حقیقت از ابتدا هم علاقه نداشتم که این اتفاق رخ دهد، چون قصه هم همین را می‌طلبید. می‌خواستیم یک بازه زمانی کوچک را که رویدادهای بزرگی در آن رخ داده، تصویر کنیم.

اگر کار سریالی باشد، می‌توان رویدادهای مختلفی را که شکل گرفته، تصویر کنیم اما نظر شخصیم این است که هر چقدر قصه از لحاظ زمانی محدودتر باشد، تماشاگر ارتباط نزدیک‌تری با قصه و قهرمان برقرار می‌کند. پایان برایم فتح و حماسه‌ای بوده که عزیزان رقم زده‌اند. طبیعی است که هر فیلمنامه‌نویسی چند پایان برای قصه‌اش در نظر بگیرد. من حتی بعد از تدوین مجدد به یک پایان جدیدتر رسیدم. در حال حاضر پایان نسخه اکران شده در نوروز ۱۴۰۳ با نسخه به نمایش درآمده در جشنواره فجر ۴۲ متفاوت است و در واقع پایان قهرمانانه‌تر و دلاورانه‌تری دارد.

؟ آسمان غرب یکی از فیلم‌های گران دفاع مقدسی است و به نظر امکانات بسیاری را برای خوب درآمدن به‌کار گرفته است. این شاید کار شما را هم سخت‌تر می‌کرد تا با وسواس بیشتری کار کنید و فیلمی آبرومند بسازید. لطفا از حساسیت‌های کار و چالش‌هایی که داشتید، بگویید.

معتقدم که اگر تاریخ برای هر ملت، دولتی و کشوری اهمیت نداشته باشد، یک کشور و دولت سطحی و پیش‌پاافتاده‌ای خواهد بود. مگر می‌شود از دلاوری‌های افراد در هشت سال دفاع‌مقدس که از جان، مال و خانواده خود گذشتند تا عده‌ای در آسایش و آرامش زندگی کنند، گذشت؟

برای پرداختن به قهرمانان، این کمترین چیزی است که می‌تواند رخ دهد؛ به‌طور مسلم ساخت فیلم جنگی با پروداکشن بزرگ نیازمند صرف هزینه است، چون ادوات جنگی و لوکیشن‌ها مربوط به ۴۰ سال قبل است و هزینه‌اش با فیلم روز اجتماعی متفاوت است. در طول مسیر همه نگاه ما این بود که سربلند از این آزمون بیرون بیاییم و من نیز تلاش خود را انجام دهم که آسمان غرب اثر آبرومندی باشد. امیدوارم مردم ببینند و با من هم‌عقیده باشند.

؟ شما در جایی گفتید نوعی دلزدگی نسبت به سینمای دفاع‌مقدس بین مخاطبان وجود دارد و لازم است فیلمسازی در این حوزه با سوژه‌های نو، بداعت در فیلمنامه و نیز تازگی در فرم و اجرا همراه باشد. آسمان غرب چه ویژگی‌های نوینی برای جذب مخاطب دارد و چگونه از کلیشه‌ها فاصله گرفتید؟

وقتی مخاطب آسمان غرب را در سینما ببیند، خودش به این نتیجه می‌رسد که به لحاظ فرم و شکل متفاوت عمل شده است. نظر شخصی‌ام این است که شما با دیدن آسمان غرب متوجه خواهی شد این فیلم از لحاظ اکشن که سینمای ایران در آن ضعیف است، پله‌های رو به رشدی را طی کرده است. بنابراین در نسخه اکران عمومی به دور از دیالوگ‌های کلیشه‌ای، شاهد فرم و شکل و همچنین تدوین جدیدی از این فیلم خواهیم بود اما این‌که ما چقدر موفق بودیم مربوط به تصمیم مخاطب است.

؟ یکی از پربحث‌ترین مسائل این فیلم در جشنواره فجر، تدوین آن بود که نظرات درباره آن صفر و صدی بود؛ یعنی عده‌ای یا تدوین را بی‌نظیر می‌دانستند یا نامناسب. چگونه به این مدل تدوین در اجرا رسیدید؟

من و میثم مولایی معتقد بودیم هرقدر مدرن‌تر و متفاوت‌تر وارد تدوین فیلم شویم، اکشن و هیجان فیلم بیشتر درمی‌آید. منتها متاسفانه هنوز سطح سلیقه سینمای ایران در حوزه اکشن به مرتبه‌ای نرسیده که بتواند با ریتم تند و متحرک صحنه‌ها مواجه شود.

بله این تجربه را در جشنواره فجر داشتیم اما در اکران عمومی و با تدوین دوباره فیلم سعی کردیم نظر کسانی را که مقداری مخالف بودند، جلب کنیم؛ بنابراین، به این نتیجه رسیدم که مخاطب دوست دارد برای موضوع مطرح‌شده در سینما، وقت بیشتری بگذارد. در صورتی که مخاطب سینمای غرب و اروپا خیلی تند و سریع با موضوع‌های سطح اکشن برخورد می‌کند. شاید هرج‌ومرج در بخش تولید و تدوین وجود داشته که آن هم به شرایط همیشگی جشنواره فجر برمی‌گردد که فیلم‌ها دقیقه ۹۰ به فجر می‌رسند. اگر یک ماه بیشتر وقت داشتم، این فیلم را برای بزرگان سینما به نمایش درمی‌آوردم و نظرات آنها را هم اعمال می‌کردم. نسخه اصلی فیلم همان روز اکران در خانه جشنواره به فجر رسید و حتی با تأخیر به اکران عمومی در سینماها درآمد، پس طبیعی است مشکلات و نواقصی به وجود آید. تأکید می‌کنم که در نسخه اکران عمومی تمام شبهاتی که دوستان داشتند، مرتفع شده است و دعوت می‌کنم فیلم را ببینند.

*** ساخت این اثر چه تجربه‌ای برای شما به همراه داشت و چه تفاوتی با اثر اول‌تان دارد؟**

هر تجربه‌ای در حوزه ساخت، لذت‌بخش و متفاوت است؛ در «آسمان غرب» هم هدایت و رهبری یک پروداکشن بزرگ در مقام کارگردان بسیار متفاوت و همچنین کارگردانی در آسمان بسیار جذاب و سخت بود. از سوی دیگر مواجهه با چیدمان و حجم بالای تانک و نفربرها سخت و چالش‌برانگیز بود که تجربه متفاوتی را رقم زد. این فیلم تفاوت بارزی با فیلم قبلی‌ام دارد، «اتاقک گلی» داستان عاشقانه‌ای در دل جنگ دارد اما آسمان غرب روایت جنگ مطلق و حماسه شهید علی‌اکبر شیرودی و همرزمانش در سه روز نخست جنگ است.

گپ‌وگفت

بازیگر نقش شهید سهیلیان مطرح کرد

شهامت ستودنی شهید سهیلیان برای مقابله با دشمن

کریم امینی، بازیگر نقش شهید حمیدرضا سهیلیان در «آسمان غرب» درباره تجربه همکاری‌اش با محمد عسگری به جام جم گفت: محمد عسگری دوست و همکارم است و سال‌ها من و او به عنوان دستیار کارگردان با یکدیگر کار کردیم. او کارهای سنگین، سخت و تاریخی انجام داده است. او هم توان و هم ظرفیتش را دارد و بچه سینماست و زمانی که به من این نقش را پیشنهاد کرد، با عشق قبول کردم، چون خیلی شهدای نیروی هوایی را دوست دارم. شهدای نیروی هوایی خیلی در کارشان متخصص و تأثیرگذار بوده‌اند که توانستند جلوی حجم زیادی از تانک‌ها را بگیرند. آقای عسگری شخصیت شهید سهیلیان را نزدیک به من دید و این شخصیت را که دختر کوچکی داشت، خیلی دوست داشتم و تلاش کردیم در طول کار ویژگی‌هایی را به این شخصیت اضافه کنیم تا عمق پیدا کند. شهامت و شجاعتی که آقایان سهیلیان و شیرودی و دوستان‌شان داشتند و در آن دسته حضور داشتند و توانستند شمار زیادی از تانک‌ها را معدوم کنند، مثال‌زدنی و غیرقابل توصیف بود و به هرحال بالگرد کبرا یکی از سخت‌ترین ادوات برای جنگیدن محسوب می‌شود و مقابله با این میزان تانک با پدافند قوی دشمن فقط با تخصص خلبانان کشورمان امکان‌پذیر بود. امینی در پاسخ به این پرسش که قبل از بازی در فیلم آسمان غرب چه شناختی نسبت به شهید سهیلیان داشتید و بعد از بازی، چه تجربیاتی از قرارگرفتن در بالگرد و شخصیت شهید به دست آوردید، تشریح کرد: من سابقه بازی در فیلم جنگی نداشتم و برای این نقش هم مقداری لاغر کردم. برای بهتر شدن کار، آقای عسگری تعدادی مستند را درباره این عزیزان که مقاومت کردند، در اختیارم قرار داد و خیلی به من کمک کرد؛ چون همان‌گونه که می‌دانیم، شهید سهلیلیان جزو اولین شهدای هوانیروز بود. قرارگرفتن به جای اولین شهدای هوانیروز برایم لذتبخش بود و خوشحالم که اولین تجربه‌ام در اینجا رقم خورد و امیدوارم خانواده شهید سهیلیان دوست داشته باشد و مخاطبان نیز از لحاظ اجرایی بتوانند همذات‌پنداری کنند. من خاک پای این شهیدان هستم. او درباره تجربه قرارگرفتن در جایگاه یک خلبان نیز توضیح داد: تجربه بازیگری به هرحال متفاوت است، چون باید به خیلی از شغل‌ها و تخصص‌ها تا حدودی اشراف پیدا کنید. ما جلساتی از قبل داشتیم تا در چند جلسه به نحوه سوار شدن به بالگرد کبرا آشنا شویم و به خاطر شغلم این افتخار نصیبم شد که به هوانیروز بروم و با بزرگان ارتش که خیلی دوست‌شان دارم و خاکی و مخلص هستند، صحبت کردم. تخصص خلبانی با خلبان بالگرد کبرا بودن متفاوت است. خلبانی این شکل از بالگرد جنگی سخت‌ترین نوع خلبانی است. سوار شدن بالگرد کبرا معادلات سختی دارد و به طور کامل نیازمند تخصص است. علاوه بر این، فکر می‌کنم ۹۰ درصد کارهای میدانی اجرا شده و کمتر با جلوه‌های ویژه همراه بود. به هرحال، وقتی وارد آن منطقه کرمانشاه و سرپل ذهاب می‌شوید، متوجه گذر روزگار سخت، گرما و سرما می‌شوید، اما مردم دوست‌داشتنی و مهمان‌نوازی داشتند و این، سختی کار را کم می‌کرد. بازیگر فیلم «نیمه شب اتفاق افتاد» در رابطه با این‌که آیا با توجه به تجربه کارگردانی و دستیار کارگردانی، پیشنهادی به عسگری داشته یا خیر، گفت: نه، پیشنهاد من بیشتر در راستای بازیگری و بهتر شدن نقش بود و به خودم این جسارت را نمی‌دادم که بخواهم در زمینه کارگردانی به آقای عسگری پیشنهاد بدهم. او در پایان گفت: ساخت فیلم جنگی بسیار سخت است و تهیه‌کننده و کارگردان و یک گروه دوست‌داشتنی و خبره خیلی زحمت کشیدند و نتیجه آن هم قابل قبول است. بسیاری از بیرون می‌گفتند امکانات و هزینه‌های هنگفتی برای فیلم‌هایی نظیر آسمان غرب به کار برده می‌شود، اما من چنین چیزی ندیدم و همه چیز خیلی ساده و به لحاظ اجرایی هزینه زیادی نشده و زمان فیلمبرداری هم خیلی کم بود. انتظارم در جشنواره برای دیده شدن فیلم که یک کارگردان جوان آن را ساخته است، بیشتر بود و قابل ستایش است.

صحنه

«جادوی شهرزاد» به سنگلج رسید

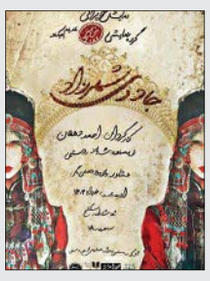

نمایش آیینی سنتی «جادوی شهرزاد» به کارگردانی احمد دهقان از امروز اجرای خود را در تماشاخانه سنگلج آغاز می‌کند. جادوی شهرزاد، نوشته شهناز روستایی یکی از قصه‌های هزار و یک شب است که به شیوه نمایش‌های ایرانی اجرا می‌شود. براساس اعلام این تماشاخانه، مراسم شب چراغ این نمایش با حضور ناصر ممدوح در ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه برگزار می‌شود. در این اثر نمایشی رعنا زرگرزاده، آرتمیس دشتی، نازنین دیده‌ور، زهرا عسگری، رضا حکمی، عباس سلطانی، شاهو فلاحی، علی مختاری، شیدا شلالوند، بهزاد حاجی حسنی ایفای نقش می‌کنند. در گروه موسیقی زنده این نمایش نوازندگانی همچون رضا روستا، علی جباری بهزاد حاجی حسنی حضور دارند. دستیار کارگردان ریحانه مقدم، طراح گریم سمیرا دارلودا، طراح نور حسن محمدی فرانی، طراح صحنه و لباس زینب سعیدی کوشا، طراح پوستر و بروشور روژین افشارزاده، مدیر روابط عمومی عاطفه چترروز و مدیر تبلیغات محمدامین قهرمانی از دیگر همکاران این نمایش هستند.

دیدگاه

دلیل افت شعر نوجوان چیست؟

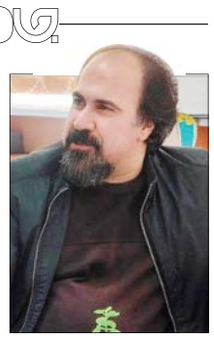

حسین تولایی، شاعر و پژوهشگر با تاکید بر این‌که در دهه ۸۰ شعر نوجوان در اوج خود بود و چهره‌های تازه و جوان در این دوران درخشیدند، تاکید کرد: این روند رو به رشد از نیمه دوم دهه ۹۰ سیر نزولی به خود گرفت. به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، چهره‌های جوان و موفق در این زمینه کمتر دیده می‌شوند و شعر نوجوان هنوز با نام‌های شاعران پیشکسوت و شاعران اواخر دهه ۷۰ و ۸۰ به راه خود ادامه می‌دهد. از نظر این کارشناس، از دلایل مهم این مشکل، کمرنگ شدن نشریات تخصصی نوجوانان، تعطیل شدن جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان و البته افزایش جشنواره‌های مناسبتی است. این پژوهشگر ادبی تصریح کرد: قطعا یکی از دلایل اوج‌گیری شعر نوجوان در دهه ۸۰ حضور نشریات حرفه‌ای و موفقی مثل سروش نوجوان، آفتابگردان و نشریه دوچرخه بوده است. این نشریات در آن زمان جریان‌ساز بودند و توانستند حرکتی را در جامعه ایجاد کنند و با تعطیل شدن این نشریات، شعر نوجوان هم جایگاه ویژه خودش را کم‌کم در میان ناشران از دست داد و چاپ کتاب شعر نوجوان هم با چالش جدی مواجه شد. در حالی که نشریات کودک و نوجوان بیش از کتاب می‌تواند در علاقه‌مندی به حوزه‌های فرهنگی موثر باشد.

قاب

طنین موسیقی لرستان در تالار وحدت
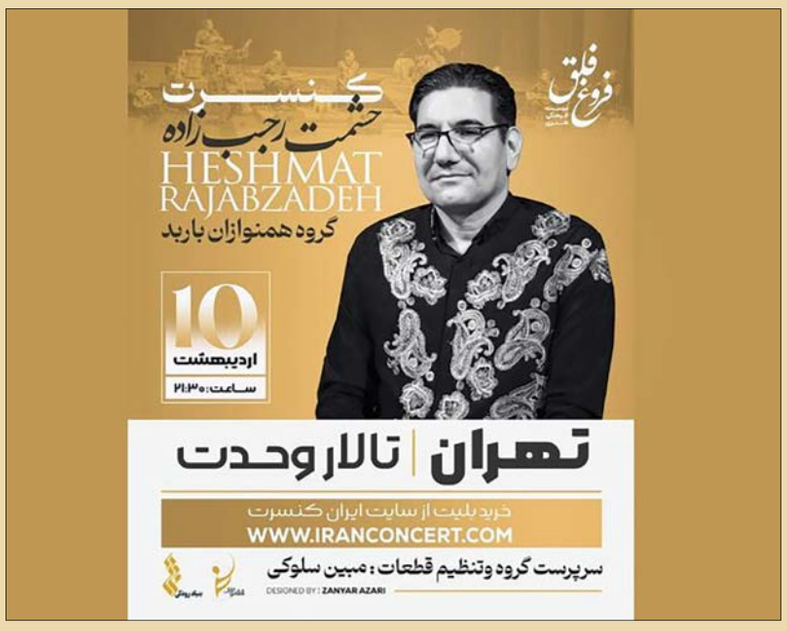
گروه موسیقی لری «همنوازان باربد» به سرپرستی مبین سلوکی و تهیه‌کنندگی موسسه فروغ فلق، فردا ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه در تالار وحدت به اجرای برنامه خواهد پرداخت. قطعات این اجرا منتخبی از معروف‌ترین آثار حشمت رجب‌زاده است که تنظیم آنها را مبین سلوکی برعهده داشته. میلاد مرادی و پیام یکتا (کمانچه)، محمد انوری (کمانچه آلتو)، مبین سلوکی و رضا کرمی (تار)، محمد یخچالی (سنتور)، میلاد جمشیدی (سرنا)، آرمان فلاح (عود)، سهیل قدمی (نی)، حافظ آهنگری (گیتاربیس)، ماهور زمانه‌پور (پرکاشن) و رامین ملکی (دف و دهل) نوازندگان همنوازان باربد را تشکیل می‌دهند.